



چهار شنبه، ۱۷ نوامبر، ۲۰۲۱

پوهاند عبدالحی حبیبی

## آسیای میانه



مرزهای امروزی آسیای میانه شرقاً در سرزمین های تبت و وادی تادیم نیم قاره هند و پاکستان تا شمال شرقی ایران و سواحل کسپین بشمول تمام افغانستان و جمهوریت های آسیای شوروی مغولستان، تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان محدود میگردد .

این سرزمین پهناور که در طول تاریخ سر نوشت مشترک و مشابهی در سیاست و اقتصاد و کلتور دارد با وجودیکه مرزهای مشخص جغرافی نداشت، ولی بمنزله یک واحد فرهنگی بوده پیوستگی های متداوم فرهنگی و فکری در بین مردم آن جریان داشته است.

ما این کشورهای مجاور و بهم پیوسته را ازینرو یک واحد کلتوری cultural unit گوئیم، که همواره

امواج فرهنگی بین آنهاجریان داشته و فراوردهای زندگانی یکی بر دیگری، اثرهای گوناگون اقتصادی و فکری و عقلانی را بار آورده است .

## گهواره تمدن:

سرزمین های مذکوره بالا در آسیای میانه که مشتمل بر وادیهای وسیع حاصلخیز و دارای دریاها، خروشان و منابع آبرسانی بوده، از زمان قدیم پیدایشگاه و پرورشگاه تمدن در آسیای میانه اند، که ما آنها را گهواره های تمدن و فرهنگ میدانیم و عبارتند از :

۱- وادیهای شرقی مجاری تاریخ از دریای ختن تا کاشغر و رود آقسو تا ترکستان شرقی.

۲- وادیهای شرقی دریای سندھ تا کشمیر و پنجاب و مجاری علیای گنگا که در جغرافی ویدی (هفت دریا) نامیده شده اند.

۳- وادیهای تبت.

۴- وادیهای حاصلخیز شمال آمو مشتمل بر:

الف: وادیهای مجاری و خش.

ب: مجاری دریای زرافشان (سغد).

ج: مجاری سیر دریا

د: وادیهای خوارزم در شمال نهایی مجاری آمو.

۵- وادیهای جنوب مجاری آمو، مشتمل بر:

الف: مجاری دریای کوچک (تخار)

ب: بلخ

۶- وادیهای مجاری دریای کابل

۷- وادیهای مجاری دریای هلمند تاسیستان.

۸- وادیهای مجاری دریای ارغنداب و ترنک که در پهلوی رُخد عربی الرخج بود .

۹- وادیهای مجاری خاشرود، فراه رود، هاروت در شمال سیستان .

۱۰- مجاری هریرود و وادیهای شمالی و جنوبی این رودخانه .

۱۱- مرو رود (مرغاب)

۱۲- خراسان عربی مشتمل بر: سرزمین های طوس، نشاپور، گرگان تا جهیل کسپین.

این وادیهای پنهاور و حاصلخیز آسیای میانه در طول تاریخ همواره زایشگاه تمدن بوده و در محل

تقاطع و گذرگاه مدنیت ها و فرهنگهای متعدد و گوناگون واقع شده اند و بنا برین اوضاع کهن سال کلتوری این منطقه دارای مبادی و اصولیست که در طول زمان از طرف خود مردم این منطقه فرهنگ آفرین پدید آورده شده و یا از سوی دیگر بدینجا انتقال یافته و ازین گذرگاه بجانب دیگری گذشته اند .

مردم آسیای میانه از دوره های قبل از تاریخ برخی از مواریت فرهنگی مشترکی داشته که در جریان وقایع تاریخی در بین خود ایشان پدید آمده و یا از امتزاج عناصر فرهنگی که از شرق بغرب یا از شمال بجنوب میگذشته تشکل یافته اند .

بنا برین باید گفت : که آسیای مرکزی هم خودش گهواره و پرورشگاه تمدن بوده و نیز گذرگاهی بود، که امواج فرهنگی ازین سوی بدانسو میگذشت و از هر طرف معرض ورود و انتقال افکار و عقاید و حرکات مدنی و عقلانی و دانش و فلسفه و فرهنگ بود .

ما درین مقاله مختصر بایک نگاه کوتاه و گذرنده نقشه " پیدایش و گذرش و پرورش این فرهنگها را نمایش میدهم، که نزدیکی ها و پیوستگیهای تاریخی این مردم را با همدیگر روشن میسازد :

### ۱- فرهنگ قبل از تاریخ:

که در نقشه بخطوط نقطه دار مسلسل سرخ نشانی شده و به چهار سوی این منطقه و خاکهای مجاور آن دوام دارد . و از حدود شش هزار سال تا پنجاه هزار سال قبل ازین آثاری ازان از موهن جودیرو و هرپه وادی سند تا وادی ارغنداب و ماوراء النهر و ایران میرسد .

آثار قدیم سنگ چقماق Middle Paleolithic یا Mousterian در حدود ۵۰،۰۰۰ هزار سال پیش ازین در دره دادل و هزار سمو دره کور شمال افغانستان .

آثار عصر متوسط سنگ ۱۰۵۸۰+۷۲۰ سال پیش در قره کمر، وادی زرافشان، وادی ترمذ و ترکمنستان .

آثار عصر جدید سنگ بدون سفال ۸۶۰۰+۱۰۰ در آق کپروک ۱-۲ خراسان، هرپه، موهن جودارو، شاه تپه، قندهار، سیستان و ترکمنستان .

آثار عصر جدید سنگ با سفال ۷۲۰۰+۱۰۰ در آق کپروک ۱-۲

آثار عصر کلکولی نیک Chalcolithic سنگ صیقلی، سفال، فلز ۷۰۳۰+۱۰۰ در آق کپروک، دیمراسی غوندی، مندی گک (قندهار)، سیستان .

آثار عصر مفرغ از ۵۰۰۰ تا ۳۵۰۰ ساله، از آق کپروک ۱-۲-۳-۴ دیمراسی، مندی گک، سیستان،

هرپه، موهن جودارو، بمپور، زرنج، نمازگاه، آلتین تپه.  
آثار عصر جدید سنگ Neolithic ۳۷۸۰+۱۰۰ سال در دره کور  
آثار عصر قدیم مفرغو عصر قدیم آهن ۱۰۰۰ق،م  
در آق کپروك ۴-۳-۲- ۱ ديمراسي، منديگك، ن ادعلي، سيستان

## ۲- فرهنگ ويدي:

منسوبست به چهار کتاب کهن ويد، که آريا نژادان باختري و هند شمالي در حدود ۱۴۰۰ ق م به سبک ترانه هاي قدیم میسروده اند. درین چهار ويد، افکار، عقاید، روش زندگانی و پرستش و مهاجرتهاي این مردم از کشورهاي آسیاي میانه به شرق و غرب و هم بسا مشترکات لسانی با زبانهاي باختري و افغاني و نامهاي قبایل و اماکن افغانستان و آسیاي میانه پدیدار است و خصایص فراوان این فرهنگ کهن سال، از چهار ويد روشن می آید.

## ۳- فرهنگ اوستايي:

منسوبست به کتاب اوستا که از حدود ۱۲۰۰ق،م آغاز و در صفحات بخدي(باختري) تا ایران و ماوراء النهر پهن گردید و باجهش و ريفورم زردشت و تبلیغ آیین مزدیسنا در حدود ۵۸۸ق،م تکمیل میگردد. و آمیزش این فرهنگ را با سوابق ويدي و سپر موج هر آنرا به شرق (هند و غرب) ایرن (وانمود کرده ایم، که در آنجا آمیزش آن با فرهنگ هخامنشي ایران هم دیده می شود) (حدود ۵۱۲ق م)

## ۴- فرهنگ يوناني:

این فرهنگ از سمت مغرب با لشکر کشیهاي اسکندر (۳۳۰\_۳۲۶ق،م (به آسیاي میانه رسید، و آثار فرهنگ و هنر و زبان و رسم الخط و سنن فن تعمیر و شهر سازی آن پهن گردید.  
دوره حکمداري مستقل يونانيان باختري، مدت دو نیم قرن تا حدود ۱۰۰ق،م دوام کرد که بقایاي یکشهر يوناني در آی خانم کنار جنوبي آمو موجود است و در ینجاست که این فرهنگ علاوه بر امتزاج با فرهنگهاي سابقه این سر زمین با فرهنگ دیگری که از سمت مشرق (هند (آمده بود، نیز آمیخت که در سطور ذیل شرح داده میشود.

## ۵- فرهنگ بودايي+ يوناني يا (ساکياموني):

دانشمند قبیله ساکیا (که به معنی منور شهرت یافت، بعد از تأسیس و تبلیغ دین خود در کوچینگره هند شمالي در سال ۴۸۳ ق،م وفات یافت و آثار و آیین هاي این دین بافتوحات راجه آشوکا

(۲۷۳\_۲۳۶ق،م) حکمدار بزرگ خاندان موريا در آسیای میانه تاکنار دریای ارغنداب رسیده بود، که يك کتیبه او بزبان آرامی و یونانی در قندهار در سال ۲۵۰ق،م بر سنگی نقر گردیده است. دین بودا در آسیای میانه فکر و فرهنگ قوی بوجود آورد و این موج فرهنگ هندی که از شرق جریان داشت هم درینجا با فرهنگ یونانی در آمیخت که آنرا فرهنگ گریکو بودیک یونانی+باختری گویم که تا مجاری جیلیم هم شرقاً سیر داشته و امواج آن با مدنیت هندی بودیزم در آمیخته است.

## ۶- فرهنگ کوشانی

سلطه سیاسی یونانیان باختر در قرن اول قبل المیلاد با هجوم و گسترش قبایل بیابان گرد کوشان آسیای مرکزی که از سمت شمال آمو ریخته بودند، پایان رسید، ولی تأثیر فرهنگ و رسم الخط یونانی آمیخته با بودیزم تا مدت نه قرن دوام کرد، و چون کوشانیان از پار دریا به تخار و باختر رسیدند درینجا مجموعه شگفتی از فرهنگهای سابقه بوجود آمد، که با وسعت امپراتوری چهارمین بزرگ دنیای آنوقت در عصر کنیشکه (۱۴۴\_۱۲۵ق،م) (با تمام مردم متمدن شرق و غرب تماس یافت و در مجموعه ایزدان انواع pantheon آنوقت سی و سه ایزد ایرانی، هند، یونانی، رومی مربوط به ادیان مختلف از هند تا یونان و روم بر مسکوکات کوشانی بنظر میآید، که وسعت افق کلتوری و فکری کوشانشهر را نشان میدهد. هنر نیز درین دوره مجموعه شگفتی از امتزاج عناصر مختلف شرقی و غربیست و ازین آمیزش و بهم پیوستگی، کلتور خاصی بوجود آمد که مظاهر آن در مبانی گوناگون زندگانی از السنه و هنر و ابنیه و افکار دینی و پدیده های عقلانی و غیره نمایانست و بسمت مشرق) هند (هم امواج سیر آنرا دیده میتوانیم .

## ۷- فرهنگ ساسانی:

در پنج قرن نخستین میلادی، کوشانیان بزرگ و کوچک و بقایای شهزادگان آن در اراضی مرکزی آسیای میانه و آریانا با کلتور خاصی که پدید آورده آند درحالی موجود بودند، که از سمت غرب با لشکر کشیها و ف توحات شاهنشاهان ساسانی و بسط فرهنگ و هنر ساسانیان روبرو بودند و این کلتور نافذ و پیشرفته هم با مبادی فرهنگهای ممزوج گذشته در آمیخت

## ۸- فرهنگ هفتلی:

در حدود ۴۲۵م قبایل سپید رنگ آریایی نژادکه عرب آنرا میگفته اند، از مناطق آسیای مرکزی برراه کوشانیان به باختر و تخار گذشته و در تمام افغانستان و هند شمالی جای کوشانیان را گرفتند و با ساسانیان ایران جنگیدند و در هند شمالی تا دره های کشمیر پیش رفتند. آثار فرهنگ مرکب

این دوره هم درالسنه و ادبیات و فرهنگ این منطقه موجود است و ماموج ورود و بسط آنرا ت اکشمیر با خط تیردار نشان میدهم .که سنگ نوشته های آنها بخط شکسته یونانی موجود است .

### ۹- فرهنگ اسلامی:

در نصف اول قرن هفتم میلادی عساکر فاتح عرب با قرآن و دین اسلام و شمشیر بران به آسیای میانه از طرف غرب وارد شدند، و فرهنگ قوی و سالم تازه دمی را با خود آوردند، که درینجا با فرهنگهای تاریخی سابقه روبرو گردید . این فرهنگ جدید با عقیده توحید و زبان عربی، فرهنگهای بت پرستی و آفتاب و آتش و غیره را از بین برد و تأثیرهای عمیق السنه و ادبیات و ضروریات محیطی مردم آسیای میانه و خراسان را درخود دخیل ساخت

### ۱۰- فرهنگ خراسانی:

این فرهنگ يك فرع فرهنگ اسلامی است که از امتزاج فرهنگهای گذشته و عناصر نو وارد اسلامی در خراسان بوجود آمد و در تمام آسیای میانه پهن گردید . که درین . ۴۰ سال متوالی تا کنون دوام دارد .

این فرهنگ بوسیله زبان عربی و دری به زبانهای ترکی و هندی و افغانی نفوذ کرد و بر اقتصاد و هنر روشهای زندگانی و تمام مظاهر فرهنگی اثر گذاشت . و بوسیله افغانان مسلمان در هندوستان تاخلیج بنگال بسط یافت و مسلمانان ماوراء النهر آنرا به مغولستان هم رسانیدند . این فرهنگ که مجموعه تمام فرهنگهای دوره های گذشته است با هجوم چنگیزخان و بازماندگان او عناصر فرهنگی مغول نیز با آن درآمیخت .

پایان